

بررسی حدیث «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»:

زمینه‌ها، اعتبارسنجی و آموزه‌ها

زهرا روح‌اللهی

هادی زینی ملک آباد

سید محمد حسین موسوی

ابراهیم نوری

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل حدیث «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» و تبیین قلمرو تربیتی و هویتی آن انجام شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و مبتنی بر تحلیل فقه‌الحدیثی با تأکید بر ارزیابی منتهی، بررسی زمینه‌های صدور، سنجش سازگاری مضمون با آیات و روایات و گونه‌شناسی مفهومی تشبّه است. با بازخوانی منابع حدیثی اهل سنت و شیعه، روایت در معنای «انتقال تدریجی هویت از طریق مشابهت رفتاری» فهم‌پذیر شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه سند روایت در منابع شیعه ضعیف و در منابع اهل سنت معتبر گزارش شده است، اما قوت معنایی و هماهنگی آن با آموزه‌های قرآنی مانع از کنار گذاشتن حدیث می‌شود. تحلیل زمینه‌های صدور نشان می‌دهد که حدیث ناظر به مخاطرات فرهنگی و هویتی جوامع اسلامی در مواجهه با اقوام و جریان‌های بیگانه است و تشبّه را نه صرفاً در پوشش، بلکه در رفتار، گفتار، هنجارهای اجتماعی و سبک زندگی جست‌وجو می‌کند. گونه‌شناسی تشبّه نشان می‌دهد که تشبّه دارای دو گونه ایجابی (هم‌سنخی با اولیای الهی) و سلبی (پیروی از بیگانگان و مخالفان دین) است. ارتباط حدیث با آیات مرتبط، از جمله «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» و آیات نهی از ولایت کفار، نشان می‌دهد که شباهت رفتاری، موجب پیوست هویتی است و قرآن نیز این قانون تربیتی را تأکید می‌کند. بر این اساس، حدیث تشبّه بیانگر یک قاعده بنیادین تربیت دینی است که بر ضرورت پایبندی به الگوهای الهی و پرهیز از نفوذ فرهنگی و هویتی دشمنان تأکید دارد.

واژگان کلیدی: فقه الحدیث، تشبه به غیر، ولایت‌پذیری، سبک زندگی، اعتبارسنجی

حدیث

۱- مقدمه

حدیث دومین مصدر دین اسلام است. برخی از احادیث ائمه(ع) تنها محدوده خاص زندگی را شامل می‌شوند؛ اما برخی دیگر نقش راهبردی دارند به گونه‌ای که زیربنای فرهنگی اسلام را شکل داده و در تمامی روابط انسان تأثیر دارند از جمله این احادیث، حدیث «من تشبه بقوم فهو منهم» است و در کتب فریقین آمده است؛ «تشبه» مصدر فعل «تَشَبَّهَ» بوده و بر معنای همانندی و مشابهت در هیئت، رنگ یا صفت دلالت دارد. به عبارت دی‌گر، هنگامی که دو چیز در شکل و ویژگی‌ها به حدی نزدیک شوند که تمایز میان آن‌ها دشوار گردد، حالت تشبه پدید می‌آید.

اهمیت این روایت از این روست که بیانگر اصل تأثیرپذیری در روابط است، بررسی این روایت از این رو یک ضرورت و اولویت بوده و از احادیث راهبردی سبک زندگی است که تشبه باعث می‌شود نوع رفتار انسان عوض شود و با عوض شدن نوع رفتار انسان، نوع گرایش‌های درونی انسان هم عوض می‌شود. به عنوان نمونه یکی از برنامه‌های مخالفان اسلام پیوسته این است که با حيله و نیرنگ می‌خواهند مسلمانان شبیه خودشان شوند؛ چیزی که بر اساس مؤیدات قرآنی و روایی به مسلمانان هشدار داده شده است؛ معصومین(ع) مسلمانان را از این اقدام کافران آگاه ساخته‌اند. مضمون روایت، زندگی فردی و اجتماعی انسان را در برمی‌گیرد در نقطه مقابل تأثیرپذیری منفی، شیوه و سبک زندگی اسلامی را در بردارد؛ یعنی روایت از منظر ایجابی و سلبی توأمان قابل بهره‌گیری است؛ بنابراین مسئله اصلی این پژوهش این است که مضمون روایت دقیقاً به چه معناست؟ برای بهره‌برداری از این روایت، بررسی و تحلیل آن ضروری است؛ با توجه به آن که بررسی سند به عنوان یک حوزه مستقل در قلمرو علم رجال قرار می‌گیرد، مسئله اصلی این پژوهش تحقیق رجالی نیست؛ بلکه رویکرد آن کاملاً فقه‌الحدیثی است. در این چارچوب، ارزیابی سند تنها از آن جهت انجام می‌شود که روشن شود:

آیا این متن، حدیث محسوب می‌شود؟

و آیا صورت کنونی روایت، همان متن قابل اعتماد برای تحلیل دلالتی است؟

بنابراین، بررسی سند در این مقاله نه هدف، بلکه ابزار احراز وثوق صدور و فهم معتبر متن است و کل روند بحث بر اساس مبانی و مراحل فقه‌الحدیث (تشخیص صدور، تحلیل متن، تعیین دلالت و استخراج ملاک‌ها) سامان یافته است.؛ «حدیث «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» از احادیث تأثیرگذار در حوزه سبک زندگی، هویت دینی و مرزبندی فرهنگی است. با وجود کاربرد گسترده این حدیث در فقه، اخلاق و مطالعات هویتی، همچنان پرسش‌های بنیادینی درباره زمینه صدور، صورت معتبر متن و حدود دلالت آن وجود دارد. از این رو پژوهش حاضر مسئله خود را نه بررسی رجالی مستقل، بلکه فهم فقه‌الحدیثی روایت قرار داده است؛ فهمی که مبتنی بر سه رکن اصلی است: شناخت فضای صدور، اعتبارسنجی متن و استخراج آموزه‌های دلالتی.

بر این اساس، مقاله پیش‌رو در پی پاسخ‌گویی به دو پرسش محوری زیر است:

حدیث «مَنْ تَشَبَهَ...» در چه زمینه و بستر تاریخی - روایی صادر شده و صورت معتبر متن آن کدام است؟

این حدیث از منظر فقه‌الحدیثی چه آموزه‌های بنیادین و چه ملاک‌هایی را برای تبیین مفهوم تشبه و مرزبندی هویتی ارائه می‌کند؟

این دو پرسش با هدف بازشناسی زمینه‌های صدور، اعتبارسنجی متن و تحلیل دلالتی سامان یافته‌اند تا تصویری منقح و قابل استناد از این روایت مهم به دست داده شود.

۲- پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع این پژوهش، اثر مستقلى تدوین نشده است، اما برخی پژوهش‌ها و مقالات مرتبط قابل اشاره‌اند. خرازی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تشبه به کفار و پیروی از آنان» با استناد به آیات و روایات، به بررسی حکم فقهی این مسئله پرداخته است. همچنین محمدی مجد (۱۳۹۱) در اثر خود با نام «تشبه به جنس مخالف» طی پنج فصل به مباحثی

همچون مفهوم شناسی تشبه، ادله حرمت آن، دیدگاه‌های موافقان و مخالفان و بررسی ادله آنان، ملاک‌های تعیین مختصات جنسی و معیار صدق تشبه پرداخته است. قادری و همکاران (۱۳۹۳) نیز در مقاله «رابطه سرمایه فرهنگی در گرایش جوانان به مد (تفاوت بین دختران و پسران)» نیز روایت مورد نظر بررسی سندی و متنی نشده است. فلاح یخدانی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «نگاهی به مفهوم و حکم فقهی تشبه به کفار» با بهره‌گیری از آیات، روایات، قاعده نفی سیل و استدلال عقلی عدم تشبه بررسی شده است اما روایت مورد نظر بررسی سندی و متنی نشده است. همچنین بستان و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر تشبه به جنس مخالف در اختلال نظام» تلاش کرده‌اند تبیین علی از ممنوعیت این نوع تشبه ارائه دهند. اما حدیث مورد نظر بررسی نشده است. افزون بر این، رساله‌ای با عنوان «قاعده فقهی حرمت تشبه به کفار از منظر فقه امامیه با تطبیق بر مصادیق مربوط به سبک زندگی» به قلم اشرف‌السادات حسینی و با راهنمایی دکتر محسن ملک‌افضلی (۱۳۹۶) نگاشته شده که در آن، موضوع تشبه به کفار در ابواب مختلف فقهی بررسی گردیده است. اما از بررسی سندی و متنی حدیث سخنی به میان نیامده است.

جمع‌بندی پیشینه نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌های موجود، تشبه را از منظر فقهی، جامعه‌شناختی یا اخلاقی بررسی کرده‌اند و تمرکز آنان عمدتاً بر حکم فقهی، پیامدهای اجتماعی یا مصادیق خاص تشبه بوده است. با این حال، هیچ‌یک از این آثار به بررسی مستقل و فقه‌الحدیثی خود روایت «مَنْ تَشَبَهَ...» نپرداخته‌اند؛ یعنی نه زمینه صدور روایت بررسی شده، نه نسخه‌های مختلف و صورت معتبر متن تحلیل شده، و نه ملاک‌ها و آموزه‌های بنیادین روایت استخراج گردیده است. پژوهش حاضر با اتخاذ روش تخصصی فقه‌الحدیث و مبتنی بر مراحل آن (بازشناسی فضای صدور، اعتبارسنجی متن، تحلیل ساختار معنایی و استخراج ملاک‌های دلالتی)، خلأ موجود را جبران می‌کند. نوآوری اصلی مقاله نیز در این است که برای نخستین بار: روایت «مَنْ تَشَبَهَ...» به‌مثابه متن مستقل حدیثی و نه صرفاً مبنای حکم فقهی تحلیل می‌شود؛ معیارهای فقه‌الحدیثی برای تمایز تشبه هویتی از مشابهت عادی استخراج و صورت‌بندی می‌گردد؛ صورت‌های متفاوت روایت و زمینه ورود آن بررسی شده و متن قابل اعتماد مشخص می‌شود.

بدین ترتیب، جایگاه علمی پژوهش نه در بازگویی مباحث فقهی گذشته، بلکه در ارائه یک تحلیل نو و روشمند فقه‌الحدیثی از روایت تشبه است؛ تحلیلی که می‌تواند مبنایی برای بازخوانی هویتی و اخلاقی مسئله تشبه در مطالعات اسلامی قرار گیرد.

۳- بحث و بررسی

در این بخش، روایت پس از تخریح از منابع حدیثی، بر پایه مبانی فقه‌الحدیث مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ بدین صورت که ابتدا صورت‌های روایی و زمینه صدور بازشناسی شده، سپس اعتبار متن و میزان قابلیت استناد آن سنجیده می‌شود و بر اساس متن پذیرفته‌شده، تحلیل دلالتی روایت سامان می‌یابد.

بررسی متنی و سندی حدیث

بررسی سندی و متنی حدیث در مؤلفه‌های ذیل قابل ارائه است: تخریح حدیث در منابع فریقین، ارزیابی سلسله سند حدیث در منابع اهل سنت، ارزیابی سلسله سند حدیث در منابع شیعه، گونه‌های نقل حدیث، بررسی محتوایی حدیث من تشبه.

۱-۱-۳- تخریح حدیث در منابع فریقین

این روایت در منابع فریقین به طرق متفاوت ذکر شده است. در منابع روایی اهل سنت با سلسله سندهای متفاوت آمده که کهن‌ترین آن‌ها در کتاب سنن ابو داوود است. به صورت حدیث ابوالنضر، قال: حدثنا عبدالرحمن بن ثابت بن ثوبان، حدثنا حسان بن عطية، عن ابي منيب الجرشى، عن ابن عمر، قال: قال رسول الله (ص): «بعثت بين يدي الساعة بالسيف حتى يعبد الله وحده لا شريك له، وجعل رزقي تحت رمحى، وجعل الذل، والصغار على من خالف امرى، ومن تشبه بقوم فهو منهم»^۱. بررسی اسناد نشان می‌دهد که راویان در این زنجیره غالباً ثقه و مورد اعتمادند و این روایت از نظر وثوق صدور قابل بررسی است. حدیث با اندکی اختلاف در الفاظ در کتاب‌هایی همچون مسند بزار^۲، مسند الشاميين از

۱. سنن ابی داود، ج ۶، ص ۱۴۴

۲. بزار، ج ۷، ص ۳۶۸

طبرانی^۱، مسند قضاعی^۲، شعب الایمان بیهقی^۳، تحفه الأشراف بمعرفة الأطراف از مزی^۴ کتاب إتحاف الخیرة المهره از بوضیری^۵ مصنف صنعانی^۶، مسند احمد^۷ مصنف ابن ابی شیبہ^۸، مشکاة المصابیح از خطیب التبریزی^۹، إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منارالسبیل^{۱۰} و نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور^{۱۱} نیز آمده است.

نتیجه بررسی های انجام شده و تخریج حدیث از کتب اهل سنت: حدیث با سلسله سندهای متفاوت وجود دارد و در چهار سلسله سند از ابن عمر، از حذیفه، از ابی هریره، و از انس، نقل شده. در برخی موارد حدیث به صورت «بعثت بالسيف بين يدي الساعة حتى يعبدالله لا يشرك به وجعل الذل والصغار على من خالف أمري ومن تشبه بقوم فهو منهم» آمده است.

قدیمی ترین نقل در منابع شیعی به ابن ابی الجمهور^{۱۲} می رسد که او به مسند احمد و مسند عبدالله بن عمر ارجاع داده است و سپس در منابع متأخر شیعی آمده است^{۱۳}. در کتاب «إتحاف السادة المتقين بشرح إحياء علوم الدين» حدیث به احمد و ابو داود و طبرانی ارجاع شده است^{۱۴}؛ در الغدير این حدیث به سنن ابوداود و صحیح ابن حبان ارجاع شده است^{۱۵}. بنابراین در منابع شیعی، نیز حدیث به نقل از منابع اهل سنت آمده است.

۱. ج ۳، ص ۹۴

۲. ج ۱، ص ۲۴۴

۳. ج ۲، ص ۷۵

۴. ج ۶، ص ۲۷۵

۵. ج ۷، ص ۷۱

۶. ج ۱۱، ص ۴۵۳

۷. ج ۹، ص ۱۲۶

۸. ج ۶، ص ۴۷۱

۹. ج ۲، ص ۴۸۷

۱۰. ج ۱، ص ۲۴۸

۱۱. ج ۲، ص ۹۳۵ و ج ۵، ۱۰۰۰

۱۲. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۶۵

۱۳. اکمال غرر الحکم، ص ۸۵۱؛ تحریر المواعظ العدیة، ص ۳۵

۱۴. ج ۷، ص ۵۹۱

۱۵. ج ۵، ص ۲۷۶

بررسی رجال حدیث نشان می‌دهد که راویان روایت «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» در منابع اهل سنت، از جمله ابوالنضر، عبدالرحمن بن ثابت، عثمان بن ابی شیبه، حسان بن عطیه، ابومنیب الجرشبی و ابن عمر، عمدتاً ثقه و موثق بوده و اختلافات جزئی آنان بر قوت صدور روایت تأثیر چندانی ندارد. در منابع شیعه، این روایت به صورت مستقل با سند متفاوت نقل نشده، اما مؤیدات قرآنی و روایی متعدد، صحت محتوایی آن را تأیید می‌کند. نتیجه نهایی این بررسی آن است که روایت از نظر فقه‌الحدیثی، به ویژه در تبیین آموزه‌های تشبیه، قابل اعتماد و ملاک تحلیل محتوایی است، و تمرکز پژوهش بر درک پیام بنیادین روایت و آموزه‌های سبک زندگی آن قرار دارد.^۱

سه) گونه‌های نقل حدیث

از نظر شیعه حدیث مورد بحث از سند صحیحی برخوردار نیست؛ در این بخش به بررسی احادیثی که به گونه‌های دیگری ذکر شده و هم مضمون و مشابه با حدیث «من تشبه» است، پرداخته می‌شود. همه‌ی آنها در این که تشبیه را گرویدن معنا نموده‌اند، مشترک هستند.

چند روایت از پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) به مضمون تشبیه نقل شده است. پیامبر (ص) فرموده‌اند: «مَنْ تَزَىٰ بِزَى قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ، وَمَنْ كَثَرَ سَوَادُ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ، وَمَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»^۲؛ یعنی هر کس لباس یا آداب قومی را بپوشد یا خود را شبیه قومی سازد، از آنها محسوب می‌شود. همچنین امام علی (ع) فرموده‌اند: «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ»^۳ و از قول عمر بن عامر بجلی آمده است: «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ لَحِقَ بِهِمْ»^۴. منابع دیگر با مضمون «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ، عُدَّ مِنْهُمْ» نیز این روایت را تأیید کرده‌اند^۵ این مجموعه روایت‌ها، با وجود

^۱ برای آگاهی از جزئیات بررسی رجال حدیث نک: بررسی سندی و متنی حدیث «من تشبه بقوم فهو منهم»، ص ۳۴-۵۸

^۲ مفاتیح الغیب، ج ۱۴، ص ۴۱۲

^۳ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۳

^۴ إتحاف السادة المتقين بشرح إحياء علوم الدين، ج ۹، ص ۴۳۴

^۵ اکمال غرر الحکم، ص ۶۷۸؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۵۱۴

تفاوت‌های جزئی در عبارت، آموزه مشترک خود را در مورد تعیین تعلق فرد به گروه بر اساس ظاهر، رفتار و تشبه منتقل می‌کند.

۱-۲- بررسی متنی حدیث «من تشبه...»

در این بخش معنای لغوی و اصطلاحی «تشبه» و مؤیدات قرآنی و روایی آن بررسی می‌شود.

۱) تبیین لغوی واژه

«تشبه» مصدر فعل «تَشَبَّهَ» است و بر همانندی و هم‌شکلی چیزی از نظر رنگ یا صفت دلالت دارد. زمانی دو چیز با یکدیگر مشته می‌شوند که در شکل و ویژگی‌ها به حدی مشابه باشند که تمایز آن‌ها دشوار گردد.^۱

از دقت در کلمات برخی از اهل لغت به دست می‌آید که تشبه هم بر مشابَهت از روی قصد و هم بر مشابَهت بدون قصد اطلاق می‌شود؛ زیرا آن‌ها گفته‌اند: «تَشَبَّهَ به مَثَله و جَاره فی العمل»؛ یعنی مانند او بود و او از او در عمل پیروی کرد، «جاره» اشاره به مشابَهت از روی قصد و در مَثَله اشاره به مشابَهت بدون قصد دارد، زیرا در معنای مَثَله گفته‌اند: کان مَثَله «مانند او بود». ^۲ همچنین می‌توان در زمینه‌های مختلف مصادیق متعددی نظیر نوع پوشش، نوع گویش، نوع تغذیه و... را برای آن بیان کرد. بنابراین اگر پوشش، آرایش یا آداب و رسوم کسی، مانند گروهی باشد، رفتار او تشبه به آن گروه نامیده می‌شود اگرچه خود او، به قصد پیروی از آن گروه، اقدام به کار یادشده نکرده باشد.

۲) تبیین اصطلاحی واژه

^۱ . مقائیس اللغه، ج ۳، ص ۲۴۳؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۰۳

^۲ . المعجم المفصل فی علوم البلاغة: البديع و البيان و المعانی، ج ۱، ص ۴۹۳

با رجوع به کتاب‌های فقهی و اخلاقی برای تشبه معنا و اصطلاح خاصی یافت نشد؛ بنابراین مراد از تشبه در اصطلاح فقها، همان معنای لغوی است؛ چراکه اگر مفهوم دیگری غیر از مفهوم لغوی مراد بود، باید آن را بیان می‌کردند.^۱

الف) مؤیدات حدیث «من تشبه...»

برخی از مؤیدات و قرائن تأیید حدیث «من تشبه» به صورت زیر است.

مؤیدات قرآنی

در برخی از آیات، خداوند متعال تشبه به اقوام دیگر را نهی فرموده است.

۱) پرهیز از پیروی و تبعیت از برخی اهل کتاب

اسلام دین کامل است و خداوند همه انسان‌ها را به پذیرش آن فراخوانده است. پیامبر اکرم (ص) علاوه بر هدایت مسلمانان، بر اهل کتاب نیز ولایت دارد. در آیه ۴۹ سوره مائده، خداوند به پیامبر (ص) فرمان می‌دهد که هرگز از آئین آنان پیروی مکن:

«وَأَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَخَذَرَهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ...» (مائده/۴۹). با توجه به اینکه خداوند چنین فرمانی به پیامبر خود می‌دهد، تکلیف سایر افراد نیز روشن و مشخص می‌گردد.

در این آیه خداوند به پیامبر (ص) دستور می‌دهد طبق آنچه از طرف خدا نازل شده است حکم کند و از هوا و هوس‌های مردم پیروی نکند و به مردم هم بگوید که سرپیچی از این دستور ناشی از فسق آنان و نشان‌دهنده‌ی اضلال الهی است.^۲ ابن عباس در مورد این قسمت از آیه «وَأَخَذَرَهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ» می‌گوید که خداوند به پیامبرش فرموده که بر حذر باش از ایشان که تو را فریب ندهند و موافق رأی و هوای خودشان نکنند و مراقب باش به تو وعده دهند که ما ایمان می‌آوریم پس با ما مساهلت

^۱. تشبه به جنس مخالف، ص ۹۳

^۲. المیزان، ج ۵، ص ۵۸۰

کن... که اینان بر تورات [نیز] دروغ می‌بندند.^۱ زمانی که رسول خدا(ص) در برابر توطئه‌های کفار بیم داشته است، تکلیف مسلمانان نیز روشن می‌شود: باید مراقب نفوذ فرهنگی دشمنان بود و از برخی احکام الهی که تحت فشار اجتماعی یا هوس‌های مردم نادیده گرفته می‌شوند، دست نکشید.^۲ این بررسی نشان می‌دهد که تبعیت از کفار، علاوه بر پیروی ظاهری، نوعی نفوذ فرهنگی و تشبه رفتاری است که در سبک زندگی و تصمیم‌گیری فردی اثر می‌گذارد. کشف جدید این پژوهش، ارائه چارچوبی است برای فهم تشبه نه فقط به‌عنوان تقلید بیرونی، بلکه به‌عنوان نفوذ فرهنگی دشمنان در شکل‌دهی رفتار و اطاعت ناقص از فرامین الهی، که تاکنون در پژوهش‌های پیشین به‌صورت منسجم تحلیل نشده بود. بنابراین بر اساس آیه، تبعیت از کفار نوعی تشبه به عملکرد آنها در انجام ندادن فرامین الهی است که خداوند به شدت منع نموده است.

۲) نهی از ولایت‌پذیری کفار

خداوند متعال در آیه‌ی ۱۴۴ نساء مسلمانان را از اینکه کافران را ولی و سرپرست خود قرار دهند نهی فرموده است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ...» (نساء/۱۴۴)

خدای متعال ترک ولایت مؤمنان و پذیرش سرپرستی کفار را نفاق می‌داند و مؤمنان را از چنین عملی برحذر داشته است. در این راستا، خداوند به مؤمنان هشدار می‌دهد که از این اشتباه پرهیز کنند؛ زیرا در صورت ارتکاب چنین کاری، در دنیا سرگردان و گمراه خواهند شد و در آخرت همراه کفار در آتش جهنم قرار خواهند گرفت.^۳

در این آیه، خداوند مؤمنان را از دوستی با کفار نهی می‌کند و آنها را از پیامدهای ناگوار چنین رفتاری آگاه می‌سازد. از آنجا که تشبه در جنبه‌های مختلف سبک زندگی می‌تواند زمینه‌ساز ولایت و دوستی با دیگران شود، لذا تشبه به کفار نیز حرام اعلام گردیده است.

۱. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۱۱

۲. تفسیر نور، ج ۲، ص ۳۰۸-۳۰۹

۳. المیزان، ج ۵، ص ۱۹۲

۳) زیان دیدن در پیروی از کفار

در آیه‌ی ۱۴۹ آل عمران خداوند، مسلمانان را از پیروی کفار نهی نموده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ (آل عمران) «بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ» (آل عمران)

این آیات که پس از حوادث جنگ احد نازل شده‌اند، با توجه به سیاقشان نشان می‌دهند که کفار در روزهای نزول این آیات به مؤمنان می‌گفتند که شرکت در جنگ احد اشتباه بوده و این روش دیگر به صلاح نیست. در پاسخ، خداوند به مؤمنان فرمان می‌دهد که جز از پروردگار خود اطاعت نکنند، زیرا تنها خداوند مولا و یاور واقعی آنان است و اطاعت یا دوستی با کفار، آن‌ها را به خسران خواهد کشاند. فراری شدن و یاری نکردن رسول خدا در جنگ احد ناشی از تصمیم خود آنان بود، اما خداوند آنان را بخشید، چرا که غفور و حلیم است.^۱

در این آیه همچنین خطر ارتداد و انحراف مؤمنان گوشزد شده و به آنان هشدار داده می‌شود که در فراز و نشیب‌های زندگی، مراقب تبلیغات و وسوسه‌های دشمن باشند تا کم‌کم به آن‌ها گرایش پیدا نکنند. اطاعت کفار («إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا») خسارت واقعی است، نه صرفاً شکست در میدان جنگ، بلکه از دست رفتن سرمایه‌های ایمانی، فکری و روحی است؛ چرا که شکست اعتقادی و ارتداد، زبانی بسیار بزرگ‌تر محسوب می‌شود («فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»).^۲ حاصل سخن آن است که یکی از مصادیق اطاعت از کفار، تشبه به آنان است. به این معنا که اگر مسلمانان از کفار پیروی کنند و گرایش دوستی نسبت به آنان پیدا کنند، در طول زندگی در معرض خطر انحراف و ارتداد قرار می‌گیرند؛ یعنی به تدریج از تأثیرات فرهنگی و رفتاری کفار متاثر خواهند شد.

۴) ممنوعیت ایجاد رابطه‌ی دوستانه با یهودیان و مسیحیان ونهی از ولایت‌پذیری کفار

^۱. المیزان، ج ۴، ص ۶۵

^۲. تفسیر نور، ج ۱، ص ۶۲۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (مائده/۵۱)

در این آیه، خداوند مسلمانان را از همکاری و هم‌پیمانی با یهود و نصاری برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را تکیه‌گاه و هم‌پیمان خود قرار ندهید»^۱. اصطلاح «اولیاء» از ماده «ولایت» مشتق شده و دو معنای دوستی و هم‌پیمانی یا سرپرستی دارد؛ بر اساس شان نزول آیه، منظور این است که مسلمانان نباید با یهود و مسیحیان هم‌پیمان شوند و بر دوستی آنان تکیه کنند، نه آنکه هیچ‌گونه روابط تجاری یا اجتماعی نداشته باشند. آنان تنها زمانی می‌توانند هم‌پیمان واقعی باشند که به کتب آسمانی خود عمل کنند؛ اما در عمل، اغراض سیاسی و دسته‌بندی‌های نژادی باعث اتحاد آنان با یکدیگر شده است. خداوند دلیل این نهی را بیان می‌کند: «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»، یعنی این دو طایفه تنها دوست و هم‌پیمان خود و منافع خودشان هستند. بنابراین هر کسی با آنان دوستی یا هم‌پیمانی برقرار کند، از منظر تقسیم‌بندی اجتماعی و مذهبی جزو آنان محسوب خواهد شد. چنین افرادی که به دشمنان تکیه می‌کنند و به برادران و خواهران مسلمان خیانت می‌نمایند، هدایت نخواهند شد.^۲

ولایتی که باعث پیوستن یک قوم به قوم دیگر می‌شود، ولایت مودت است؛ هر کس با قومی محبت و دوستی ورزد، جزو همان قوم محسوب شده و با آنان محشور خواهد شد. قرآن کریم این نوع دوستی را نهی کرده و در مورد یهود و نصاری هشدار می‌دهد که چنین دوستی‌ها به حدی می‌رسد که کشش روحی میان مسلمانان و اهل کتاب ایجاد کرده و اخلاق مسلمانان شبیه به اخلاق آنان شود. این امر باعث ترویج سیره کفار - که مبتنی بر پیروی از هوای نفس، پرستش شیطان و خروج از مسیر فطری است - و تغییر سیره دینی و حق‌مدارانه در جامعه می‌گردد.^۳

۱. ج ۴، ص ۴۰۹-۴۱۰

۲. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۱۰

۳. ج ۵، ص ۶۰۹-۶۱۰

بنابراین، ارتباط آیه فوق با حدیث «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» در این نکته نهفته است که قرآن، پیروی و همانندسازی رفتاری با قوم بیگانه را یک فرایند هویت‌ساز می‌داند. همان‌گونه که آیه، پذیرش ولایت یهود و نصاری را نوعی «انضمام هویتی» معرفی می‌کند («فَإِنَّهُ مِنْهُمْ»)، حدیث نیز تشبّه را عامل پیوستن رفتاری و هویتی به قوم دیگر برمی‌شمارد.

به بیان دیگر، آیه مبنای قرآنی حدیث را تبیین می‌کند:

هر نوع تشبّه-چه در دوستی، چه در هماهنگی رفتاری و فرهنگی- می‌تواند انسان را در صف همان قوم قرار دهد و به از دست رفتن استقلال دینی و فرهنگی بینجامد. از این رو، این آیه یکی از مهم‌ترین مؤیدات قرآنی فهم حدیث تشبّه است و نشان می‌دهد که «فَهُوَ مِنْهُمْ» یک حکم اعتباری صرف نیست، بلکه فرایندی واقعی در تغییر هویت و جهت‌گیری انسان است.

۵) همراهی با صادقان

در آیه ۱۱۹ سوره توبه، خداوند مؤمنان را به تقوا و قرار گرفتن در صف صادقان فرمان می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه/۱۱۹).

بررسی مفهوم «صادقین» از این جهت اهمیت دارد که آیه صرفاً به «صدق گفتاری» توصیه نمی‌کند، بلکه تکلیف مؤمنان را در انتخاب الگوی هویتی و رفتاری روشن می‌سازد. تعبیر «مَعَ الصَّادِقِينَ» - نه «مِنَ الصَّادِقِينَ» - نشان می‌دهد که وظیفه مؤمن، همراهی و پیروی عملی از الگوهای حقیقی صدق است، نه صرفاً داشتن صفت صداقت.^۱

در روایات، از جمله روایت سلیم بن قیس، پیامبر(ص) «صادقین» را بر امیرالمؤمنین(ع) و اوصیای پس از او تطبیق داده‌اند. بر اساس این گزارش، آیه ناظر به انتخاب ولی، الگو و پیرو در زندگی فردی و اجتماعی است؛ یعنی پیروی‌ای که در رفتار، سبک زندگی و جهت‌گیری‌های فرهنگی نمود پیدا می‌کند. دقیقاً در همین نقطه است که ارتباط آیه با حدیث محلّ بحث، «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» آشکار می‌شود.

^۱. المیزان، ج ۹، ص ۵۴۸

این حدیث بیان می‌کند که شباهت‌جویی رفتاری و فرهنگی به هر قوم، موجب انتساب هویتی به همان قوم است. آیه نیز بر قاعده‌ای مشابه تأکید دارد: همراهی با صادقان و قرار گرفتن در مدار آنان، به تدریج موجب سنجیت رفتاری و عملی با آنان می‌شود. بنابراین، آیه «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» مبنای قرآنی همان قاعده‌ای است که حدیث «مَنْ تَشَبَهَ...» در قالب رفتاری بیان کرده است؛ یعنی تبعیت عملی، موجب شکل‌گیری هویت و تعلق اجتماعی می‌شود.

از سوی دیگر، قرآن در جای جای دیگر، از جمله در آیاتی که از تبعیت از کفار نهی می‌کند، همین منطق هویتی را به کار گرفته است: پذیرش ولایت و پیروی فرهنگی از دشمنان، انسان را در مسیر سنجیت و هم‌گرایی با آنان قرار می‌دهد و زمینه تقلید در پوشش، آداب، خوراک و سایر شئون زندگی را ایجاد می‌کند. این همان نکته‌ای است که حدیث «مَنْ تَشَبَهَ...» هشدار می‌دهد؛ یعنی هم‌رنگ شدن با بیگانگان، مساوی قرار گرفتن در صف آنان است.

به این ترتیب، آیه‌ی «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» نه تنها ارتباط مستقیم با روایت محل بحث دارد، بلکه قاعده‌ی هویتی تشبّه را در قالبی ایجابی بیان می‌کند:

همراهی با اولیای الهی ← تشبّه به آنان ← انتساب هویتی و تربیتی به آنان.

جمع بندی و تحلیل نهایی این بخش این است که بررسی آیات متعدد قرآن نشان می‌دهد که تشبّه به کفار و پیروی از رفتار و هنجارهای آنان، نه تنها در ظاهر منع شده، بلکه از منظر فقهی و تربیتی نوعی تهدید برای سلامت اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی جامعه اسلامی محسوب می‌شود. آیات مانده/۴۹، نساء/۱۴۴، آل عمران/۱۴۹-۱۵۰ و مانده/۵۱ تصریح دارند که مسلمانان نباید از کفار پیروی کنند، آنان را ولی یا هم‌پیمان خود قرار دهند و در سبک زندگی و تصمیم‌گیری خود تحت تأثیر رفتار آنان قرار گیرند؛ زیرا چنین رفتارهایی زمینه نفوذ فرهنگی دشمنان و تقلید از روش‌های ناصحیح آنان را فراهم می‌سازد.^۱ در مقابل، آیه توبه/۱۱۹ مؤمنان را به همراهی با صادقین، از جمله اهل بیت(ع)، دعوت می‌کند و نشان

^۱. المیزان، ج ۵، ص ۱۹۲ و ۵۸۰.

می‌دهد که تشبه به اولیاء الهی و پیروی از آنان، مسیر هدایت و رشد فردی و اجتماعی را تضمین می‌کند. بنابراین، جمع‌بندی نهایی این است که تشبه مثبت و همراهی با صادقین زمینه‌ساز ولایت‌پذیری صحیح و تربیت دینی است، در حالی که تشبه به کفار و پذیرش سبک زندگی آنان، موجب خسران، انحراف اعتقادی و نفوذ فرهنگی دشمنان در جامعه اسلامی می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که نهی قرآن از تبعیت از کفار صرفاً یک دستور اخلاقی یا سیاسی نیست، بلکه یک الگوی تربیتی و فرهنگی جامع برای حفظ هویت، ایمان و استقلال جامعه و فرد مؤمن است.

(ب) مؤیدات روایی حدیث «من تشبه...»

روایات مختلفی در مورد حرمت تشبه مسلمانان به کفار وارد شده است که نمونه‌هایی از آن در ذیل آمده است:

(۱) تشبه در نماز خواندن

یکی از مواردی که در روایات از آن نهی شده منع گذاشتن یکی از دودست بر دیگری به نشانه خضوع (تکفیر) است. در دو حدیث نهی از گذاشتن یک دست بر دست دیگری در نماز آمده که در یکی تشبه به مجوس و در دیگری تشبه به اهل کتاب تعلیل آورده شده است:

امام صادق(ع) فرمودند: پدرم از جدم و ایشان از آباء خود نقل کردند که امیرالمؤمنین(ع) در مجلسی به اصحاب خود چهارصد باب آموزش دادند که در هر یک، اصلاح دین و دنیا برای مؤمنان مورد توجه بود. یکی از این نکات این بود که وقتی مسلمان در پیشگاه خداوند ایستاده است، هرگز نباید دو دست خود را روی یکدیگر قرار دهد؛ زیرا چنین عملی نشانه پیروی از کفار، به ویژه مجوسیان، محسوب می‌شود.^۱ از امام محمدباقر(ع) منقول است که فرمودند: وقتی برای نماز می‌ایستی، دست راست را روی دست چپ یا دست چپ را روی

^۱. حدیثی اُبی عن جدی عن آباءه ع أن أمير المؤمنين ع علم أصحابه فی مجلس واحد أربعمائة باب مما یصلح للمؤمن فی دینه و دنیا قال ع (بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۸۹): لا یجمع المسلم یدیه فی صلاته و هو قائم بین یدی الله عز و جل یتشبه بأهل الکفر یعنی المجوس (بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰)

دست دیگر قرار نده؛ زیرا این عمل شبیه رفتار اهل کتاب است و نشانه تقلید از آنان محسوب می‌شود. بنابراین دست‌های خود را آزاد نگه دار، چرا که این شیوه سزاوارتر است و مانع از آن می‌شود که توجه و تمرکز تو از نماز منحرف گردد.^۱

۲) تشبه به اهل کتاب در پوشش لباس صلیب‌دار در نماز

در روایتی، پوشیدن لباسی که نشانه صلیب اهل کتاب بر آن باشد، نهی شده است. زبیدی در «تاج العروس» حدیثی از عایشه نقل کرده است که پیامبر اکرم (ص) هرگاه جامه‌ای می‌دید که نقش صلیب بر آن حک شده باشد، آن بخش از جامه را برمی‌داشت و از نماز گزاردن با چنین لباسی نهی می‌کردند.^۲

۳) تشبه به مجوس در روزه گرفتن روزهای خاص

برخی‌ها روزه گرفتن نوروز و روزه سکوت و همچنین روزه عاشورا را مکروه دانسته، آن را تشبه به مجوس می‌دانند کاشانی در بدائع الصنائع^۳ آورده است: روزه گرفتن تنها در روز شنبه مکروه است، زیرا این عمل نوعی تشبه به یهود محسوب می‌شود. همچنین روزه گرفتن در روزهای نوروز و مهرگان به دلیل شباهت به رفتار مجوسان مکروه است، زیرا آنان در این روزها هم در خوردن و آشامیدن و هم در سخن گفتن روزه می‌گرفتند و پیامبر اکرم (ص) از این عمل نهی کرده‌اند. به همین ترتیب، روزه روز عاشورا نیز به دلیل تشبه به یهود، مکروه شمرده می‌شود.^۴

تشبه در زمینه‌های غیرعبادی

^۱ إذا كنت قائما في الصلاة فلا تضع يدك اليمنى على اليسرى و لا اليسرى على اليمنى فإن ذلك تكفير أهل الكتاب و لكن أرسلهما إرسالاً فإنه أحرى أن لا يشغل نفسك عن الصلاة. (مستدرک وسائل، ج ۵، ص ۴۲۱؛ دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۵۹)

^۲ و في حديث عائشة أن النبي صلى الله عليه و آله وسلم كان إذا رأى التصلب في ثوب قضبه أي قطع موضع التصلب منه و في الحديث نهى عن الصلاة بالثوب المصلب. (تاج العروس، ج ۱، ص ۳۳۸).

^۳ ج ۲، ص ۷۹

^۴ «يكره الصوم يوم السبت بانفراده لأنه تشبه باليهود و كذا صوم يوم النيروز و المهرجان لانه تشبه بالمجوس و كذا صوم الصمت و هو أن يمسك عن الطعام و الكلام جميعاً لأن النبي صلى الله عليه و سلم نهى عن ذلك و لأنه تشبه بالمجوس و كره بعضهم صوم يوم عاشورا وحده المكان التشبه باليهود» (بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۲، ص

تشبه به کفار در امور غیرعبادی، شامل جنبه‌های مختلف زندگی است.

تشبه در تمام ابعاد زندگی

«تشبه به کفار» عنوانی کلی است که تمام ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد و فقها از انجام آن نهی کرده‌اند. یکی از مصادیق بارز این تشبه، شباهت در نوع پوشش از قبیل لباس، کفش، کلاه، انگشتر، گردنبند و امثال آن است؛ مانند پوشیدن کراوات، پاپیون و لباس‌هایی با مدل‌ها یا تصاویر خاص کفار که بیانگر شعار و فرهنگ آنان می‌باشد (نجفی، ۱۳۸۵، ص ۹۵). علت این نهی، جلوگیری از نفوذ فرهنگ دشمنان اسلام و ترویج آن در میان مسلمانان و همچنین حفظ روحیه استقلال و اتکاء به نفس در میان آنان است^۱ برخی روایات به‌طور کلی هرگونه عملی که باعث شباهت مسلمان به کفار شود را نهی کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، روایتی است که فیض کاشانی در «الوافی» بدون ذکر سند، و شیخ صدوق و شیخ طوسی با دو سند متفاوت نقل کرده‌اند. فیض کاشانی نقل می‌کند که امام صادق (ع) از پدران خود و آنان نیز از اجدادشان روایت کرده‌اند: «خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرمود: به مؤمنان بگو لباس دشمنان مرا نپوشید، طعام دشمنان مرا نخورید و راه‌های دشمنان مرا نیمایید؛ وگرنه در شمار دشمنان من قرار خواهید گرفت»^۲.

۵. روایات پیرامون کراهت لنگ بستن

شیخ حر عاملی در کتاب خود روایتی را درباره کراهت ائتزار و توشح نقل کرده است که امام صادق (ع) فرموده‌اند: درست نیست هنگام نماز، پیراهنت را با جامه‌ای توشح یا ائتزار پوشانی؛ زیرا این شیوه لباس پوشیدن یادآور طرز پوشش دوران جاهلیت است.^۳

^۱. اصول اسلامی حاکم بر دیپلماسی با کفار، ص ۴۷

^۲ أوحى الله تعالى إلى نبي من أنبيائه قل للمؤمنين لا تلبسوا لباس أعدائى و لا تطعموا مطاعم أعدائى و لا تسلكوا مسالك أعدائى فتكونوا أعدائى كما هم أعدائى. (وافى، ج ۲۰، ص ۷۱۳؛ علل الشرايع، ج ۲، ص ۳۴۸؛ تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۷۲).

^۳ عن أبى عبد الله (ع) قال: لا ينبغي أن تتوشح بأزار فوق القميص و أنت تصلى، و لا تتزر بأزار فوق القميص إذا أنت صلّيت فإنه من زى الجاهلية. (وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۲۸۷).

علامه حلی در کتاب خود «تذکره الفقها» می‌نویسد که ائتزار، یعنی انداختن لنگ بر روی پیراهن، مکروه است؛ زیرا این عمل نوعی تشبه به اهل کتاب محسوب می‌شود و پیامبر اکرم (ص) از تشبه به آنان نهی فرموده‌اند. همچنین امام صادق (ع) فرموده‌اند که هنگام نماز، درست نیست پیراهنت را با جامه‌ای توشح کنی، زیرا این نوع پوشش یادآور دوران جاهلیت است. با این حال، ائتزار حرام نیست؛ زیرا موسی بن عمر بن بزیع از امام رضا (ع) پرسید که آیا پیچیدن لنگ یا دستمال بر پیراهن هنگام نماز صحیح است؟ امام (ع) پاسخ دادند: اشکالی ندارد.^۱

راد از «توشح»، آن گونه که برخی لغویون، از جمله صاحب «المصباح المنیر»، نقل کرده‌اند، این است که فرد یک طرف جامه‌ای را که بر دوش انداخته، در دست راست خود قرار دهد و سر آن را روی دوش چپ بیندازد؛ همانند حالتی که یک محرم این کار را انجام می‌دهد.^۲

مسلمانان نباید در پوشش خود، اعم از لباس، کفش، زیورآلات و غیره، خود را مشابه اقوام یا فرهنگ‌های دیگر کنند. برای مثال، استفاده از کراوات، پاپیون یا لباس‌هایی که دارای نمادها و تصاویری متعلق به کفار یا دیگر اقوام بوده و فرهنگ آنان را ترویج می‌کند، جایز نیست.

مؤیدات روایی دیگر در ذیل به صورت خلاصه بیان می‌شود:

الف. نهی از تشبه به پادشاهان در غذا خوردن که به صورت تکیه کردن غذا می‌خورند^۳ و در مقابل تبیین نحوه غذا خوردن پیامبر (ص)^۴ روایت مشهور از امام صادق (ع) بیان می‌کند که پیامبر اکرم (ص) هرگونه اشرافی‌گری و تشبه به سلاطین و

^۱. «بکره أن یأترز فوق القمیص لما فیہ من التشبه بأهل الکتاب و قد نهی النبی صلی الله علیه و آله عن التشبه بهم لقول الصادق (ع): «لا ینبغی أن تتوشح یأزار فوق القمیص إذا صلیت، فإنه من زی الجاهلیة. ولیس بمحرم، لأن موسی بن عمر بن بزیع قال للرضا (ع): أشد الإزار و المنديل فوق قمیصی فی الصلاة؟ فقال: «لا بأس به». (تذکره الفقها، ج ۲، ص ۵۰۴)

^۲. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۸، ص ۲۴۰

^۳. «ما أکل نبی الله ص و هو متکئ منذ بعثه الله عز و جل و کان یکره أن یتشبه بالملوک و نحن لا نستطیع أن نفعل».

^۴. اصول تغذیه در سیره پیامبر اعظم (ص)، ص ۶۰

تکبری که موجب فاصله گرفتن مردم از فرد شود، نکوهش می‌کردند: «..كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَتَشَبَهَ بِالْمُلُوكِ».^۱

ب. نهی از تشبه به اهل جاهلیت در غذا خوردن نزد صاحبان مصیبت و در مقابل فراهم نمودن طعام برای صاحبان عزاً^۲

ج. نهی از تشبه به غیر از معصومین(ع): «لیس منا من تشبه بغيرنا».^۳

کلمه‌ی «منا» و «لیس منا» در روایات زیادی به چشم می‌خورد که این واژه‌ی «منا» یا «منی» نوعی پیوستگی و پیوند ناگسستنی بین امام و مأموم است؛ به طوری که امام به مأمونش شناخته می‌شود و مأموم به امامش.^۴

د. نهی از تشبه به یهود و نصاری در عدم نظافت منزل: امام صادق (ع) فرمودند: «اكنسوا أفئیتكم و لا تشبهوا بالیهود».^۵ حیاط منزل خود را جارو کنید و شبیه یهود نگردید.

هـ. منع از تشبه به یهودیان در پیرایش مو؛ وایاتی در مورد خضاب کردن موهای سپید و منع از تشبه به یهود در آرایش موها وجود دارد. شیخ حر عاملی این روایت را از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است: «غیروا الشیب، و لا تشبهوا بالیهود والنصاری»؛^۶ یعنی موهای سپید را تغییر دهید (خضاب کنید) و خود را شبیه یهود و نصاری قرار ندهید. در مورد این دستور، از امام علی (ع) پرسیده شد که خضاب مو و اجتناب از شباهت به یهود و نصاری چگونه است؟ امام (ع) پاسخ دادند: این فرمان پیامبر (ص) زمانی صادر شد که تعداد

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۷۳

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۲: الأكل عند أهل المصيبة من عمل أهل الجاهلیة و السنة البعث إلیهم بالطعام كما أمر به النبی صلی الله علیه و آله وسلم فی آل جعفر بن أبی طالب (ع) لما جاء نعیه.

۳. نهج الفصاحة، ص ۶۶۴

۴. نشنه، ص ۳۸

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۳۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۷۱

۶. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۰۰-۴۰۱

پیروان اسلام کم بود، اما امروز که اسلام توسعه یافته است، هر فرد مختار است که آن را انجام دهد.^۱

و. نهی از تشبه به یهودیان و نصاری در شیوه سلام؛ در مورد آداب سلام کردن، حدیثی آمده است که مسلمانان را از تشبه به یهود و نصاری در این زمینه برحذر می‌دارد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «از ما نیست کسی که خود را شبیه به دیگری کند؛ خود را شبیه یهود و نصاری قرار ندهید، زیرا یهودیان با اشاره انگشت و نصاری با اشاره کف دست سلام می‌کنند».^۲

ابن اثیر و قضاعی نیز این حدیث را نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «از ما نیست کسی که خود را شبیه دیگری کند، و خود را شبیه اهل کتاب قرار ندهید، زیرا آنان در هنگام سلام دادن با اشاره انگشت یا کف دست این کار را انجام می‌دهند».^۳

ز. نهی تشبه به جنس مخالف؛ درست نیست که مردان در پوشش خود شبیه زنان شوند و بالعکس. در منابع مختلف، احادیثی نقل شده است با این مضمون که «از ما نیست مردانی که خود را شبیه زنان می‌کنند و زنانی که خود را شبیه مردان می‌کنند». در «سنن ابی داود» در باب «فی لباس النساء» آمده است که «پوشش مرد بر زن و پوشش زن بر مرد منع شده است و خداوند مردی را که لباس زن بپوشد و زنی را که لباس مردانه بر تن کند، لعنت کرده است». همچنین امام صادق (ع) از پدران خود نقل می‌کنند که «رسول خدا (ص) مردان را از تشبه به زنان و زنان را از تشبه به مردان در پوشش نهی و سرزنش فرموده‌اند».^۴

۱۳) الگوپردازی از ویژگی‌ها و صفات نیکو و پسندیده دیگران (تشبه ممدوح)

^۱ نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۴۷۱

^۲ «لیس منا من تشبه بغيرنا، لا تشبهوا باليهود ولا بالنصارى، فإن تسليم اليهود الإشارة بالأصابع، وتسليم النصارى الإشارة بالكف» (اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة أصحاب الجحيم، ج ۱، ص ۲۱۷؛ الأذکار النووية، ج ۲، ص ۲۵؛ اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۶۰۸)

^۳ «لیس منا من تشبه بغيرنا، لا تشبهوا بأهل الكتاب فإن تسليمهم الإشارة بالأصابع والأكف».. (اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۶۰۸؛ مسند الشهاب، ج ۲، ص ۲۰۵)

^۴ عن أبي عبد الله عن آبائه ع قال: كان رسول الله ص يزرع الرجل يتشبه بالنساء وينهى المرأة أن تشبه بالرجال في لباسها. (مكارم الأخلاق، ص: ۱۱۸).

برخی روایات مؤمنان را تشویق می‌کنند که اگر خود دارای صفات پسندیده نیستند، رفتار و منش خود را شبیه کسانی کنند که آن ویژگی نیکو را دارند. این تشبیه تدریجی، فرد را به تدریج در زمره همان افراد قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، درباره صفت حلم و بردباری، از امام علی(ع) نقل شده است: «ارزشمندترین جامه‌ای که بر تن می‌شود، بردباری است؛ پس اگر بردبار نیستی، خود را شبیه بردباران کن؛ زیرا نادر است کسی که شبیه گروهی شود و از آنان نباشد».^۱

در حدیثی دیگر آمده است: «اگر بردبار نیستی، خود را شبیه بردباران کن و اگر عالم نیستی، خود را مانند عالمان درآور؛ زیرا نادر است کسی که شبیه گروهی شود و از آنان نباشد».^۲ این روایت به درستی تأثیرپذیری تدریجی را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری

تحلیل حدیث «من تشبه بقوم فهو منهم» نشان می‌دهد که این روایت از لحاظ سند در منابع اهل سنت صحیح و در منابع شیعه ضعیف گزارش شده است؛ با این حال، ضعف سند مانع پذیرش آن نیست، زیرا محتوای معنایی حدیث قوی بوده و با آیات و روایات دیگر تأیید می‌شود. زمینه صدور حدیث به نگرانی پیامبر(ص) از تأثیر فرهنگ و رفتار کفار بر مسلمانان و ضرورت حفظ هویت دینی بازمی‌گردد. این حدیث انواع تشبیه را شامل می‌شود: تشبیه سلبی، یعنی اجتناب از پیروی و تقلید از کفار، و تشبیه ایجابی، یعنی الگوگیری و پیروی از معصومین(ع) و صادقین. گستره و قلمرو تشبیه همه ابعاد زندگی انسان-شامل عبادات، رفتارها، آداب و رسوم، پوشش، آرایش و سایر شئون فردی و اجتماعی-را در بر می‌گیرد. آموزه بنیادین حدیث این است که تشبیه به کفار موجب پذیرش ولایت و فرهنگ آنان، انحراف تدریجی از مسیر هدایت، و آسیب به فرهنگ اسلامی می‌شود، در حالی که تشبیه به اهل بیت(ع) و پیروی از ارزش‌های دینی، مسیر هدایت و تثبیت هویت اسلامی را فراهم

^۱ «أَفْضَلُ رَدَاءٍ تَرَدَّى بِهِ الْخَلْمُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ». (نهج البلاغه، ص ۱۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۳؛ دعائم الاسلام، ۵۳).

^۲ «كان الحسن يقول إذا لم تكن حليماً فتحلم وإذا لم تكن عالماً فتعلم فقلما تشبه رجل بقوم إلا كان منهم (تحاف السادة المتقين بشرح إحياء علوم الدين، ج ۹، ص ۴۳۴).

می آورد. بر این اساس، حدیث تشبّه حکم هدایت آفرین داشته و اهمیت اجتناب از تقلید کفار و پابندی به ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی را برجسته می‌سازد.

منابع

قرآن

ابن ابی شیبّه، عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن عثمان. (۱۴۰۹). *المصنف فی الاحادیث و الآثار*، تحقیق کمال یوسف الحوت، ریاض: مکتبه الرشد.

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵). *عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، تحقیق مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر

ابن ابی حاتم، أبو محمد. (۱۲۷۱). *الجرح والتعديل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۴۰۹). *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت: دار الفکر.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵). *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری.

_____ (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق و تصحیح علی اکبر

غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن تیمیّه. احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۱۹). *اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم*، [بی جا]: دار عالم الکتب.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵)، *دعائم الإسلام*، تحقیق آصف فیضی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام

ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله. (۱۴۱۲). *الاستیعاب*، بجاوی، علی محمد، بیروت: دار الجیل.

ابن فارس، أبوالحسین. (۱۳۹۹). *معجم مقاییس اللغة*، المحقق: عبد السلام محمد هارون، الناشر، بیروت: دار الفکر.

ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم دینوری. (۱۴۱۰). *الامامة والسیاسة*، بیروت، [بی جا]

ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر. (١٤٠٧). *البدایة و النهایة*، بیروت: دارالفکر.

ابن منظور، محمد بن مكرم. (١٤١٤). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (١٤٠٨)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی

أبی داود، سلیمان بن الأشعث [بی تا]، سنن أبی داود، تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید، بیروت: المكتبة العصرية
احمدی، حسین علی؛ صالحی، سید مظاهر. (١٣٨٣). *اصول اسلامی حاکم بر دیپلماسی با کفار*، درس‌هایی از مکتب اسلام، (١٠) ٤٤

الألبانی، محمد ناصر الدین (١٤٠٥). *إرواء الغلیل فی تخريج أحادیث منار السبیل*، تحقیق زهیر الشاویش، بیروت: المکتب الاسلامی.

أمینی، عبدالحسین. (١٩٣٧). *الغدیر*، بیروت: دارالکتب العربی.

انصاری قمی، مهدی. (١٣٨٤). *إکمال غرر الحکم*، قم: دلیل ما

بزاز، أبو بکر أحمد بن عمرو، (٢٠٠٩-١٩٩٨)، *مسند البزار*، تحقیق محفوظ الرحمن زین الله، عادل بن سعد وصبری عبد الخالق الشافعی، المدینة المنورة: مکتبة العلوم والحکم.
بقاعی، إبراهیم بن عمر، *نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور*، قاهره: دارالکتب الاسلامی، القاهرة

بیهقی، احمد بن حسین. (١٤٢١). *شعب الایمان*، تحقیق زغلول وابوهاجر محمد سعید، دارالکتب العلمیة، بیروت: منشورات محمد علی بیضون.

پاینده، ابو القاسم (١٣٨٢)، *نهج الفصاحة*، تهران: دنیای دانش

جباری، محمدرضا. (١٣٨٦). *اصول تغذیه در سیره پیامبر اعظم (ص)*، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، شماره ١٣.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعة، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

خطیب بغدادی، أبو بکر. (۱۴۲۲). تاریخ بغداد، المحقق: الدكتور بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الإسلامی.

روح اللہی، زہرا. (۱۳۹۹). بررسی سندی و محتوایی حدیث «من تشبه بقوم فهو منهم»، پایان نامه کارشناسی ارشد. اساتید راهنما: سید محمد حسین موسوی، ابراهیم نوری و هادی زینی ملک اباد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

زبیدی، محمد بن محمد. (۱۳۰۶). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارمکتبه الحیاء. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۲). ربيع الأبرار و نصوص الأخبار، محقق: مهنا، عبدالامیر، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۳). الفتح الكبير فی ضم الزیاده إلى الجامع الصغیر، تحقیق یوسف النبہانی، بیروت: دارالفکر.

شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم: مؤسسه دار الهجرة.

شمس الدین، احمد و عکاوی، انعام فوال. (۱۴۲۷-۱۳۸۵). المعجم المفصل فی علوم البلاغه: البديع و البیان و المعانی. بیروت: دار الکتب العلمیة.

صنعانی، عبدالرزاق بن همام. (۱۴۰۳). المصنف، تحقیق حبيب الرحمن اعظمی، بیروت: المجلس العلمی.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرانی، سلیمان بن أحمد. (۱۴۰۵). مسند الشامیین، محقق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، بیروت: مؤسسه الرسالہ.

طبرسى، حسن بن فضل. (١٤١٢). مكارم الأخلاق، قم: الشريف الرضى.

طوسى، محمد بن الحسن. (١٤٠٧). تهذيب الأحكام، تحقيق حسن الموسوى خراسان، تهران: دارالكتب الإسلاميه.

عراقى، ابن السبكى، (١٤٠٨). تخريج أحاديث إحياء علوم الدين، استخراج: أبى عبد الله محمود بن محمد الحداد رياض: دار العاصمة للنشر، ١٤٠٨ ق

علاء الدين كاشانى، ابوبكر بن مسعود. (١٤٠٦). بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، بيروت: دارالكتب العلميه.

علاء الدين، مغطاي بن قليج. (١٤٢٢). إكمال تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، المحقق: أبو عبد الرحمن عادل بن محمد - أبو محمد أسامة بن إبراهيم، الفاروق الحديثه للطباعة والنشر.

علامه حلى، حسن بن يوسف. (١٤١٤). تذكرة الفقهاء، قم: موسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.

غزالى، محمد بن محمد، شارح مرتضى زبيدى. (١٤٢٤). إتحاف السادة المتقين بشرح إحياء علوم الدين، بيروت: منشورات محمد على بيضون.

الفالوجى الأثرى، أكرم بن محمد زيادة. [بى تا]. المعجم الصغير لرواه الإمام ابن جرير الطبرى، اردن: الدار الأثرية، قاهره: دار ابن عفان.

فخررازى، أبو عبد الله (١٤٢٠)، مفاتيح الغيب، بيروت: دار إحياء التراث العربى قرائتى، محسن. (١٣٨٨). تفسير نور، تهران: مركز فرهنگى درسهاى از قرآن.

قضاعى، محمد بن سلامة بن جعفر أبو عبد الله. (١٤٠٧). مسند الشهاب، تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد السلفى، بيروت: موسسه الرسالة.

كلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧)، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران: دار الكتب الإسلاميه

اللجنة العلمية في مؤسسة الامام صادق(ع)، (بي تا). موسوعة طبقات الفقهاء، اللجنة العلمية في مؤسسة الامام صادق(ع).

مُبرّد، يوسف بن حسن. (١٤١٣) بحر الدم فيمن تكلم فيه الإمام أحمد بمدح أو ذم، تحقيق وتعليق الدكتورة روية عبد الرحمن السويقي، بيروت: دار الكتب العلمية.

مجلسي، محمد باقر بن محمد تقي (١٤٠٣)، بحار الأنوار، بيروت: دار إحياء التراث العربي

محمدي مجد، ابوالفضل. (١٣٩١). تشبه به جنس مخالف، فقه، ١٩ (٧١). صص ١٣٢-٩٠.

مدرسي، هادي. (١٤٣١). أخلاقيات الإمام علي أمير المؤمنين عليه السلام، بيروت: دار العلوم.

مرتضى زيدي، محمد بن محمد، و غزالي، محمد بن محمد. ١٤٢٦-٢٠٠٥. إتحاف السادة المتقين بشرح إحياء علوم الدين. ١٤ ج. بيروت - لبنان: دار الكتب العلمية.

مزي، جمال الدين. (١٤٠٣). تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، المحقق: عبدالصمد شرف الدين، طبعه المكتب الإسلامي، والدار القيمة.

مشكيني، علي. (١٤٢٤). تحرير المواعظ العديدة، قم: الهادي.

مشهدى آقايي، حميد. (١٣٩٠). نشانه، مشهد: انتشارات قدس رضوي.

مكارم شيرازي، ناصر. (١٣٧١). تفسير نمونه، تهران: دار الكتب الإسلامية.

مودب، سيدرضا؛ مجد فقيهي، محمد علي؛ بهادري جهرمي، روح الله. (١٣٩٨). بررسی حجيت

روايات با سند ضعيف و متن قوى با تاكيد بر روايات «حجه الله»، حديث پژوهي. ١١ (٢١)

صص ١٠٥-١٣٢

النجفي الجواهري، محمد حسن بن باقر بن عبدالرحيم. (١٣٦٢). جواهر الكلام في شرح شرائع

الإسلام، تحقيق عباس قوجاني، دار إحياء التراث العربي.

نوري، حسين بن محمد تقي (١٤٠٨)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل

البيت عليهم السلام

نورى، حسين بن محمد تقى. (١٤٠٨). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

النوى الدمشقى، محيى الدين. (١٤١٤). الأذكار النووية، بيروت: دار الفكر .

نسخه پيش از انتشار